



اماره فراش چیست و در چه شرایطی تحقق می‌یابد؟

«اماره فراش»، یکی از قواعد فقهی مشهور است. این قاعده از حدیث نبوی معروف «الولد للفراش و للعاهر الحجر» گرفته شده است.

اماره فراش؛ یکی از قواعد فقهی مشهور است. این قاعده از حدیث نبوی معروف «الولد للفراش و للعاهر الحجر» گرفته شده است. به موجب قاعده اماره فراش، چنانچه انتساب کودکی به پدر مورد تردید باشد، با شرایطی نسبت آن کودک به پدر اثبات می‌شود. این قاعده در حقوق، یکی از ادله اثبات نسبت قانونی کودک به زوجه و بنابر آن، کودک متولدشده به شوهر ملحق می‌شود. دو ماده ۱۱۵۸ و ۱۱۵۹ قانون مدنی ایران به این قاعده می‌پردازند. ماده ۱۳۲۲ نیز به روشنی آن را از امارات قانونی به شمار آورده است.

به گزارش تابناک؛ فراش از همان فرش به معنای گستردن آمده است. چنانچه از آیه و شریفه «الذی جعل لکم الارض فراشا/خدایی که زمین را برای شما گسترانیده است» روشن است، هر آنچه که برای نشستن و خوابیدن بر زمین پهن می‌شود، به فراش اشاره دارد. زن نیز از آن و شوهر حق دارد با او بخوابد، و به مرد که صاحب اوست، صاحب فراش گفته می‌شود.

تشکیل خانواده، اقدامی مهم و ارزشمند است که شارع مقدس نیز در آداب آن، مواردی را بیان می‌کند. در حدیثی از پیامبر اکرم نقل شده است که هر کس ازدواج کند، نیمی از دین خود را ادا کرده است.

دو اصل وفاداری و صداقت؛ و نقش بنیادین در تحکیم نظام خانواده دارند. به بیان دیگر، هرچه وفاداری و صداقت دو طرف نسبت به یکدیگر بیشتر باشد، خانواده نیز مستحکم‌تر خواهد بود. چندی پس از ازدواج، اغلب زن و شوهرها، هم از روی علاقه و هم به دلیل تحکیم بنیان خانواده، بچه‌دار می‌شوند. انتساب فرزند به زوجین، آثار فراوانی (از جمله ارث، ولایت و...) در پی خواهد داشت.

به نوشته «طور»؛ امروزه به لطف پیشرفت‌های علمی، شناسایی این نسبت، کار آسانی به نظر می‌رسد و با انجام آزمایش‌های خاص می‌توان پدر و مادر کودک بی‌شک و هویت را به‌طور دقیق مشخص کرد. اما در گذشته به دلیل نبود این امکانات و نیز اعتماد و وفاداری زوجین به یکدیگر، شارع و قانونگذار، شرایطی را در نظر گرفته‌اند که بدون کنجکاوی، بتوان نسبت را معین کرد. البته شایان ذکر است که تشخیص مادر کودک عموماً آسان‌تر است؛ زیرا اغلب مواقع مشخص است که نوزاد از چه کسی زاده شده یا چه کسی جنین را در رحم خود پرورانده است.

شرایط تحقق اماره فراش

بنابر حدیث نقل شده از پیامبر اسلام، «الولد للفراش و للعاهر الحجر»؛ اگر انتساب کودک به پدر مورد تردید باشد، با شرایطی می‌توان کودک را به همان شوهر نسبت داد. قانونگذار نیز در مواد ۱۱۵۸ و ۱۱۵۹ قانون مدنی نیز این موضوع را بسط داده و برای اجرای اماره فراش دو وضعیت را در نظر گرفته است.

اماره فراش در زمان زوجیت

ماده ۱۱۵۹ قائل به اعتبار این اماره در زمان زوجیت است. بنابر این ماده، فرزندی که پس از عقد نکاح زاده شود، به شرطی که از تاریخ نزدیکی زوجین تا زمان تولد فرزند، کم‌تر از شش ماه (کوتاه‌ترین مدت بارداری) و بیشتر از ده ماه (بلندترین مدت بارداری) نگذرد، کودک به شوهر ملحق است و دیگران هیچ حقی نسبت به آن ندارند.

برخی از دانشمندان بر این باورند که شرط انجام نزدیکی بی‌مورد است و صرف نکاح کافی است؛ زیرا حفظ عفت خانوادگی ارزش والایی دارد. از سوی دیگر، اثبات نزدیکی و دخول کار آسانی نیست. مسائل جنسی از مواردی است که زوج‌ها تلاش به پوشیده‌داشتن آن دارند؛ در نتیجه، باید از روابط ظاهری آنها متوجه شد. بنابراین، اگر کودکی در فاصله شش ماه تا ده ماه از انعقاد نکاح زاده شود، در اصطلاح حقوقی، اماره بر الحاق کودک به شوهر است. اما اگر تولد کودک در این فاصله زمانی نباشد، اماره فراش جاری نمی‌شود.

اماره فراش

ماده ۱۱۵۹ همین قاعده را برای کودک متولدشده پس از انحلال نکاح نیز مؤثر می‌داند؛ بنابر این ماده، چنانچه زن پس از انحلال نکاح، شوهر نکرده باشد و کودک در فاصله زمانی ده ماه از پایان نکاح تا روز تولد زاده شده باشد، ملحق به شوهر است؛ مگر اینکه مشخص شود از تاریخ نزدیکی تا زمان ولادت، کم‌تر از شش ماه یا بیشتر از ده ماه گذشته است.

اماره فراش پس از نکاح دوم

گاهی نکاح منحل می‌شود و زن پس از پایان مدت عده، با شخصی دیگر ازدواج می‌کند و پس از نکاح دوم، صاحب فرزند می‌شود. در این وضعیت، سه فرض قابل‌تصور است: فرض اول

فرض اول این است که کودک پس از گذشت هشت‌ماه از نکاح دوم متولد می‌شود که در این حالت براساس اماره فراش نمی‌تواند به شوهر سابق ملحق شود. برای نمونه، تصور کنید در روز اول فروردین، نکاح اول منحل می‌شود؛ زن باید سه‌ماه عده نگاه دارد. پس در اوایل تیر، می‌تواند دوباره ازدواج کند. حال اگر کودک در بهمن همان سال به دنیا بیاید، از تاریخ انحلال نکاح اول یازده‌ماه می‌گذرد. پس قاعده فراش اعمال نمی‌شود و کودک به شوهر دوم ملحق است.

فرض دوم

فرض دوم این است که کودک در مهر یا آبان همان سال متولد شود؛ در این حالت، کمتر از ده‌ماه از انحلال نکاح اول می‌گذرد و از نکاح دوم کمتر از شش‌ماه؛ در این صورت، نسبت به نکاح اول اماره فراش جاری شده و کودک به شوهر اول ملحق می‌شود.

فرض سوم

و اما فرض سوم این است که تولد کودک در دی‌ماه همان سال رخ دهد. در این حالت، از ازدواج دوم بیشتر از شش‌ماه و از انحلال نکاح اول ده‌ماه می‌گذرد. در نتیجه، کودک متولدشده می‌تواند به هر دو نکاح تعلق گیرد. به بیان دیگر، میان دو اماره فراش، تزامن (تداخل) به وجود می‌آید؛ اما به دلیل تحکیم بنیان مقدس خانواده‌ی دوم و حمایت از کودک و مسائل اجتماعی دیگر، شارع و قانونگذار، کودک را حاصل از ازدواج دوم می‌دانند؛ مگر اینکه دلایلی محکم بر انتساب کودک به شوهر اول وجود داشته باشد.

مفهوم للعاهر الحجر

در ادامه‌ی حدیث پیامبر، عبارت *العاهر الحجر* آمده است. در زبان عرب، *العاهر* عاهر و *الحجر* سنگ است. *العاهر* به معنای فسق و فجور گرفته شده است. عاهر را زناکار می‌دانند و حجر نیز به معنای سنگ است. در واقع، پیامبر با این عبارت، زناکار را به سنگ که شیئی بی‌ارزش است، تشبیه می‌کند. البته گفتنی است که برخی، منظور از حجر را همان مجازات سنگسار یا رجم می‌دانند؛ اما بهتر است بدانیم که سنگسار برای زناکارانی است که اولاً همسر دائم داشته و ثانیاً شرایط هم‌بستری با همسر خود را نیز داشته باشند. اصطلاحاً به این افراد، محصن (مرد) و محصنه (زن) می‌گویند. باید توجه داشت که مجازات زناکاری افرادی که دارای احصان نیستند، تازیانه است. بنابراین، به نظر نمی‌رسد که حدیث بالا تنها برای گروهی خاص بیان شده باشد. از این‌رو، برداشت نخست از معنای حجر منطقی‌تر به نظر می‌رسد.

نکته‌ی آخر

در پایان باید یادآور شد که کاربرد اماره فراش در شرایطی است که مرد و زن در انتساب فرزند دچار تردید شده باشند؛ نه اینکه برای آنها قطع و یقین وجود داشته باشد. چنانچه زوج بتواند اثبات کند که با همسر خود آمیزش نداشته، اماره فراش اعتبار خود را از دست می‌دهد.